

«مسئولیت جامعه‌شناس» به روایت دکتر حسین سراج‌زاده، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

پشت میز سیاست یادر میان مردم؟

برای بهبود شرایط زندگی مردم از جامعه‌شناسان چه انتظاری می‌توان داشت؟

علوم اجتماعی

کروه اندیشه/ در نگاه دکتر حسین سراج‌زاده، جامعه‌شناسی نه یک «برج عاج نظریه‌پردازی» که وسیله‌ای برای «یجاد تغییر» و رسیدن به وضعیت مطلوب جامعه است که آن را نه در انفعال آکادمیک، که باید در «کنشگری مسئولانه» جامعه‌شناسان جست‌وجو کرد؛ کنشگری که مرز میان دانشگاه و جامعه را محو می‌کند و علم را به ابزاری برای کاهش دردهای جمعی بدل می‌سازد. او هشدار می‌دهد جامعه‌شناسی بدون بازتاب اجتماعی، همچون درختی است که ریشه در هوا دارد؛ پر از شاخه‌های پیچیده نظری، اما بی‌ثمر از نگاه سراج‌زاده، راه نجات در گرو سه گانه‌ای است که بسیاری از کنشگران علمی از آن غافلند: «مردم‌داری»، «سیاست‌گذاری» و «کنشگری انجمنی». اما این سه گانه، شمشیری دولبه است؛ چرا که یک سو، فریفتن خویش در هیاهوی عوام و از سوی دیگر، اسیر شدن در فرمالیسم قدرت، جامعه‌شناس را تهدید می‌کند. در این گفتار، او مسیر پرپیچ و خم کنشگری جامعه‌شناسانه را روایت می‌کند؛ مسیری که اگر درست پیموده شود، می‌تواند دانشگاه را از حاشیه به متن تحولات اجتماعی بیاورد.

جامعه‌شناسی بدون بازتاب اجتماعی بی‌اثر است «جامعه‌شناسی» علمی همراه با مسئولیت اجتماعی برای بهبود شرایط جامعه است؛ بنابراین این علم تنها به شناخت جامعه منحصر نمی‌شود. البته «شناخت علمی» شرط لازم برای ایفای مسئولیت اجتماعی جامعه‌شناسی است اما نقش جامعه‌شناسان و پژوهشگران، انجام فعالیت‌های علمی صرف نیست. لازم است فعالیت علمی و پژوهشی در جامعه بازتاب پیدا کند و از طریق حوزه عمومی و سیاست‌گذاری، منشأ اثر اجتماعی شود. به همین دلیل، بر این باورم که «کنشگری آکادمیک» بدون «کنشگری اجتماعی» و «تاثام و فاقد اثربخشی اجتماعی است.

نفوذ علم در اتاق‌های تصمیم‌گیری کنش اجتماعی جامعه‌شناسان به تعبیر مایکل بوروی، جامعه‌شناس آمریکایی، به دو صورت «مردم‌دaranه» و «سیاست‌گذارانه» بروز

پیدا می‌کند. در اولی یعنی «جامعه‌شناسی مردم‌مدار» جامعه‌شناس با ارتباط با جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد، جنبش‌های اجتماعی و فعالیت در حوزه عمومی و رسانه‌ها، کوشش می‌کند علم جامعه‌شناسی را در خدمت بهبود شرایط جامعه به کار گیرد و در دومی یعنی «جامعه‌شناسی سیاست‌گذار» جامعه‌شناس کوشش می‌کند از طریق نظام مدیریتی و اجرایی جامعه، بینش و روش جامعه‌شناختی را در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها وارد کند و از این طریق به خیر عمومی یاری رساند.

از مردم‌مداری تا سیاست‌گذاری

اینکه یک جامعه‌شناس، کدام‌یک از این دو مسئولیت «کنشگری حوزه عمومی» یا «کنشگری حوزه مدیریتی» را برگزیند، یک امر اقتضایی است یعنی متناسب با شرایط اجتماعی و سیاسی و ویژگی‌های شخصیتی خود. جامعه‌شناس تصمیم می‌گیرد که در یکی از این دو یا در هر دو عرصه فعالیت کند. اما نکته اینجااست که فعالیت در این دو حوزه نباید در تعارض با هم و آشستی‌ناپذیر تلقی شود؛ چرا که در هر دو عرصه، ارزش‌های بنیادین جامعه‌شناسی یعنی «برابری» و «آزادی» باید لحاظ شود.

مرز باریک بین عوام‌فریبی و رهایی بخشی

«کنش مردم‌دaranه» یا «کنش سیاسی» جامعه‌شناس دو شرط اصلی دارد؛ اول اینکه نباید با «آزادی» و «برابری» که دو معیار بنیادین جامعه‌شناسی هستند، در تعارض قرار گیرد و



دوم اینکه نباید گرفتار دو آفت «عوام‌فریبی» و «نوگرمانی» شود. به عبارت دیگر، جامعه‌شناس در عین اینکه کنش‌رهایی‌بخش در مسیر آزادی و برابری دارد، به خاطر پابندی به واقع‌گرایی علمی، نباید دنباله‌رو هیجانات جمعی و عوام‌فریبی شود؛ علاوه بر اینکه در حوزه سیاست‌گذاری نباید تابع اوامر و فرمایشات صاحبان قدرت بوروکراتیک باشد. در هر دو حالت، راهنمای او باید دانش و بینش جامعه‌شناسانه برای کاستن از درد و رنج مردم و بهبود زندگی آنان باشد.

انجمن‌های علمی:

پل ارتباطی دانشگاه، مردم و حاکمیت

در این میان، یک نوع دیگری از کنشگری هم داریم که می‌توان آن را زیر عنوان «کنشگری انجمنی» تعریف کرد که فعالیت در انجمن‌های علمی مردم‌نهاد محسوب می‌شود که صورتی از «کنشگری مردم‌دaranه» است. به تعبیر دیگر، یک جامعه‌شناس نمی‌تواند به کنشگری علمی و اجتماعی خود اهمیت دهد اما با انجمن علمی خود ارتباط نداشته باشد. با فعالیت در انجمن‌های علمی، دانش و تجربه علمی، سرمایه اجتماعی علمی و اثربخشی اجتماعی ما تقویت می‌شود. به علاوه، انجمن علمی هم با مشارکت بیشتر اهالی آن علم، تقویت می‌شود و با تقویت آن، اثربخشی اجتماعی آن علم هم افزایش می‌یابد. بنابراین اگر می‌خواهیم «کارآمدی علمی» داشته باشیم باید این زنجیره علمی و کنشگری‌های علمی را جدی‌تر بگیریم.

«فرزندآوری» از نگاه پدیدارشناسی جمعیت

پاسخی به بحران معنایی آینده

پدیدارشناسی

دکتر بهمن متین‌پور

پژوهشگر و دکترای روان‌شناسی بالینی

بحران جمعیت در ایران، دیگر صرفاً یک هشدار جمعیت‌شناختی نیست. آنچه در نمودارها و گزارش‌ها دیده می‌شود، بازتاب سطحی از اختلالی عمیق‌تر در روان جامعه است؛ فروپاشی تجربه زیسته آینده. جامعه‌ای که فرزند نمی‌خواهد، الزاماً از کودکی نمی‌گریزد، بلکه ممکن است از آینده فاصله گرفته باشد؛ آینده‌ای که دیگر حس نمی‌شود، دیده می‌شود. اما در آن زندگی نمی‌کنیم.

گسست از بدن و آینده

در روان‌شناسی بالینی، اختلالی با عنوان «شخصیت‌زدایی و واقعیت‌زدایی» (Depersonalization–Derealization) وجود دارد؛ وضعیتی که در آن، فرد خود را از بیرون تماشا می‌کند، بدنش را بی‌حس تجربه می‌کند و جهان را واقعی نمی‌پاید. او دیگر در اکنون حضور ندارد؛ حضورش تهی شده، بدنش خنثی شده و آینده‌اش بی‌ربط شده است. حال اگر این تجربه را از فرد به جامعه تعمیم دهیم، می‌توان وضعیتی را توصیف کرد که در آن جامعه نه در زمان زندگی می‌کند، نه در بدن تاریخی خود حضور دارد. آینده برایش بدل شده به تصویری دور، بی‌ارتباط یا حتی تهدیدآمیز. ما آینده را می‌سنجیم، تحلیل می‌کنیم، درباره‌اش سیاست می‌نویسیم، اما دیگر آن را نمی‌زییم.

بدن‌مندی و حضور در زمان

در فلسفه پدیدارشناسی، «بدن‌مندی» نه صرفاً جنبه‌ای فیزیولوژیک، بلکه شرط بنیادین بودن در جهان است. بدن، آفق حضور است؛ تجربه زیسته بودن. همان‌طور که در اختلال شخصیت‌زدایی، فرد دچار قطع ارتباط با بدن خود می‌شود، جامعه نیز ممکن است از بدن تاریخی‌اش جدا شود؛ از احساس ادامه داشتن، از حس در زمان بودن، از باور به امکان ماندن.

فرزندآوری به‌مثابه کنش وجودی

فرزندآوری، در این معنا، فقط یک انتخاب زیستی یا اقتصادی نیست، بلکه کنشی وجودی است، تصمیمی برای گفتن «آری» به تداوم، به تاریخ، به معنا؛ تصمیمی برای داشتن بدن در آینده. وقتی این تصمیم در مقیاس وسیع تعلیق می‌شود، نشانه آن است که جامعه از زیستن در زمان بازمانده است.

از تماشا تا تجربه

در روان‌درمانی‌های بدن‌محور، تلاش می‌شود فرد دوباره به بدن خود بازگردد؛ از حالت مشاهده‌گر منفعل، به کنشگر حاضر در



اکنون تبدیل شود. به همین قیاس، برای عبور از بحران جمعیت، کافی نیست سیاست‌گذار فقط آمار تولید کند و مشوق مالی بدهد. جامعه باید از «تماشای آینده» به «زیستن در آینده» بازگردد. باید دوباره حس حضور در زمان را بازسازی کنیم.

بازسازی حضور جمعی

و این بازسازی تنها در سطح سیاست نیست، در سطح حضور زیسته جمعی است؛ در آیین‌هایی که تاریخ را به امروز پیوند می‌دهند، در روایت‌هایی که آینده را به تهدید، که امکان می‌نمایند، در کنش‌هایی که بدن اجتماعی را زنده نگاه می‌دارند، در برگزاری آیین‌های ملی و اسلامی فرهنگمان و تشویق به جدی گرفتن این مراسم‌ها.

امضای من در امتداد ما

فرزندآوری، در این بستر، تبدیل می‌شود به کنشی پدیدارشناختی؛ پرتاب معنا به آینده. ساخت جهانی که هنوز نبامده، اما به واسطه کودک، قابل لمس می‌شود. جامعه‌ای که از فرزند می‌گذرد، شاید از زیستن گذشته است. فرزند نه فقط نشانه زندگی است، بلکه «امضای من در امتداد ما» است. آنچه اکنون نیاز داریم، نه فقط سیاست‌گذاری، بلکه بازگشت به تجربه بدن مند تاریخ است؛ بازگشت به اکنون به‌مثابه سکوی پرتاب آینده. آینده، اگر فقط در گزارش‌ها باشد، هیچ‌گاه به ما نخواهد رسید. آینده باید حس شود، باید زیسته شود، باید ادامه پیدا کند؛ و هیچ کنشی همچون «تولد» چنین ادامه‌ای را ملموس نمی‌سازد. کودک، تنها ادامه من نیست؛ بازگرداندن حس بودن ما در آینده است.

رئیس مرکز بازرسی و مبارزه با فرار مالیاتی از شناسایی ۱۶۸ مؤدی مشکوک به پول‌شویی خبر داد:

وصول ۲،۳ همت از محل کتمان درآمد در سال جاری

رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پول‌شویی از وصول مبلغ ۲،۳ همت مالیات و جرائم از محل کتمان درآمد موضوع ماده (۱۹۲) قانون مالیات‌های مستقیم در سال جاری خبر داد. شاهین مستوفی، رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پول‌شویی سازمان امور مالیاتی کشور با بیان اینکه از ابتدای سال جاری ۱۲۳ مورد بازرسی مالیاتی صورت گرفته است اظهار داشت: در راستای بررسی

اسناد و مدارک به دست آمده از بازرسی مالیاتی موضوع ماده (۱۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم، یک هزار و ۱۷۱ برگ تشخیص مالیاتی به مبلغ بیش از پنج هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال و ۶۳۶ برگ قطعی به مبلغ پنج هزار و ۷۲۵ میلیارد ریال صادر شده است. وی با اشاره به مالیات و جرائم وصول شده از محل کتمان درآمد موضوع ماده (۱۹۲) قانون مالیات‌های مستقیم افزود: در دو ماه ابتدایی سال جاری حدود

۲۳ هزار میلیارد ریال از این پخش مالیات وصول شده است. همچنین در این بازه زمانی، ۴۸۷ مؤدی در فهرست فاقد اعتبار مالیاتی درج و ۷۷۸ مؤدی مشکوک شناسایی شده است. رئیس مرکز بازرسی، مبارزه با فرار مالیاتی و پول‌شویی با اشاره به اینکه از ابتدای سال جاری سه هزار و ۶۴۴ گزارش مردمی در حوزه فرار مالیاتی دریافت شده است، گفت: در این راستا بیش از ۹۰۰ بازدید میدانی از



ردیف	شرح	مبلغ کل مالیات پرداختی در سال ۱۴۰۱ (میلیارد ریال)	سهم پرداختی مالیات از کل درآمدهای مالیاتی ۱۴۰۱ (درصد)	مبلغ کل مالیات پرداختی در سال ۱۴۰۲ (میلیارد ریال)	سهم پرداختی مالیات از کل درآمدهای مالیاتی ۱۴۰۲ (درصد)
۱	مالیات بر درآمد مشاغل	۵۱۶،۴۸۹	۱۰/۹۴	۷۷۸،۳۷۵	۹/۶۰
۲	مالیات بر درآمد حقوق کارکنان اعم از بخش خصوصی و دولتی	۵۳۰،۵۰۵	۱۱/۲۳	۸۱۷،۶۲۲	۱۰/۰۸
۳	مالیات پر درآمد مستغلات	۸۲،۴۰۴	۱/۷۴	۱۱۰،۴۶۵	۱/۳۶
۴	کل درآمد‌های مالیاتی مستقیم وکالاها وخدمات	۴،۷۲۳،۱۰۴	-	۸،۱۰۷،۸۲۴	-

جدول شماره (۲)

ردیف	شرح	سال ۱۴۰۱ (مبالغ به میلیون ریال)	سال ۱۴۰۲ (مبالغ به میلیون ریال)
۱	میزان کل معافیت اعطایی به حقوق بگیران با توجه به سقف معافیت اعلامی در قانون بودجه	۶،۰۵۴،۹۷۱،۰۹۵	۸،۵۲۷،۵۴۵،۳۲۳
۲	مجموع کل معافیت مالیاتی در مالیات عملکرد برای صاحبان مشاغل	۱،۳۴۶،۹۰۰،۲۰۲	۳،۳۱۸،۴۱۵،۴۵۰

جدول شماره (۳)

ردیف	شرح	تعداد اشخاص (به میلیارد ریال)	مبلغ کل مالیات پرداختی (مبالغ به میلیارد ریال)	تعداد اشخاص	سرنانه مالیات پرداختی (ریال)
۱	صاحبان مشاغل	۴،۴۴۵،۷۸۷	۵۱۶،۴۸۹	۷۷۸،۳۷۵	۱۰۵،۷۹۷،۵۹۲
۲	حقوق بگیران	۷،۹۴۴،۹۴۲	۵۳۰،۵۰۵	۸۱۷،۶۲۲	۹۶،۲۱۳،۳۸۳

پاسخ سازمان امور مالیاتی به یک شبهه رسانه‌ای

مقایسه مبالغ پرداخت مالیات حقوق

با مالیات‌های وصولی صاحبان مشاغل، نادرست است

ادعای پرداخت مالیات بیشتر توسط قشر حقوق بگیر نسبت به صاحبان مشاغل با درنظر نگرفتن میزان معافیت‌های مالیاتی اعطایی، قیاسی ناعادلانه می‌باشد. همچنین مستندات میزان مالیات پرداختی و همچنین تعداد صاحبان مشاغل دارای پرونده مالیاتی و تعداد حقوق بگیران دارای فهرست در سامانه‌های عملیاتی این سازمان، بیانگر بیشتر بودن میزان سرنانه مالیات پرداختی توسط صاحبان مشاغل نسبت به حقوق بگیران در کل کشور در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ است. در همین خصوص سازمان امور مالیاتی کشور در پاسخ به مطلبی که در برخی رسانه‌ها منتشر شده است، اعلام کرد که حسب مقررات ماده (۸۴) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحیه و الحاقات بعدی آن، همه ساله وفق احکام مصوب در قوانین بودجه سنواتی توسط مجلس شورای اسلامی، سقف معافیت مالیاتی از درآمد سالانه مشمول مالیات حقوق و همچنین نرخ‌های مالیاتی این منبع مالیاتی تعیین و پس از ابلاغ آن؛ مراتب در دستور کار سازمان امور مالیاتی کشور به‌عنوان سازمان متولی وصول مالیات و نظارت بر حسن اجرای قوانین مالیاتی، در همان سال مربوطه قرار می‌گیرد.

در همین راستا، طبق مقررات ماده (۸۶) قانون مالیات‌های مستقیم، پرداخت‌کنندگان حقوق هنگام هر پرداخت یا تخصیص آن مکلف‌اند مالیات متعلق تعیین شده را مطابق مقررات از حقوق کسر و تا پایان ماه بعد از پرداخت حقوق، به‌حساب سازمان امور

مالیاتی کشور واریز نمایند. این درحالی است که به موجب مقررات ماده (۱۰۰) قانون مالیات‌های مستقیم، صاحبان مشاغل مکلفند اظهارنامه مالیاتی مربوط به فعالیت شغلی خود را در طی یک‌سال شمسی تا آخر خرداد ماه سال بعد تسلیم و مالیات متعلق به آن را پرداخت نمایند. بنابراین همانگونه که ملاحظه می‌شود، مالیات بر درآمد حقوق افراد به موجب مقررات حداکثر تا پایان ماه بعد از دریافت حقوق به‌حساب سازمان امور مالیاتی پرداخت می‌شود، لیکن پرداخت مالیات بر درآمد صاحبان مشاغل پس از پایان یک‌سال شمسی و با مهلت سه ماهه پرداخت می‌شود. لذا مقایسه مبالغ پرداخت مالیات حقوق در یک‌سال با مالیات‌های وصولی صاحبان مشاغل در همان سال با توجه به مهلت‌های مقرر قانونی و وقفه‌های زمانی مذکور قیاس نزدیک به واقعیت نمی‌باشد.

علی‌احمال با توجه به گزارشات عملکرد درآمد‌های مالیاتی اعلامی از سوی سازمان امور مالیاتی کشور به‌شرح جدول شماره (۱)، می‌توان ادعان نمود؛ تقریباً سهم منابع مربوط به درآمد مالیاتی صاحبان مشاغل و مالیات بر درآمد حقوق از سهم یکسان و نزدیک به هم در کل درآمد‌های مالیاتی برخورداری می‌باشند.

این در حالی است که با توجه به میزان معافیت مالیاتی اعمال شده برای حقوق بگیران براساس سقف معافیت مالیاتی درآمد سالانه مشمول مالیات حقوق در قوانین بودجه سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و

صاحبان مشاغل در سال ۱۴۰۳ در حال حاضر امکان‌پذیر نمی‌باشد.